لوله‌کشی و در کنار آن، تأمین انرژی ازطریق گاز مایع، برق یا انرژی‌های نوین وجود دارد؟

بگذارید اینگونه آغاز کنم؛ اینکه در کشور حدود ۵۰۰ هزار کیلومتر لوله‌کشی گاز کرده‌ایم، کار اشتباهی بوده و کسانی که این کار را کرده‌اند به میزان مصرف گاز کشـور در آینده و برنامه‌ریزی‌هایی که در برنامه‌های توسـعه پنجم و ششـم در نظر گرفته شـده بود و پیش‌نیازهای برنامه هفتم و هشـتم دقت نکرده‌اند و برحسـب فشـارهای سیاسـی به همه‌جای کشور لوله‌کشـی کرده‌اند. در روستاها و حتی شـهرک‌های کوچک در دوردست که برق داریم، نیاز به گازکشـی نداریم. امروز در بسیاری از کشورهای دنیا حتی پخت‌وپـز به‌جای گاز با برق انجام می‌شـود. ما به جای اینکه این حجم لوله‌کشـی انجام دهیم و این‌همه پرتی گاز داشته باشیم، می‌توانستیم نیروگاه‌های ترکیبی در نزدیک شهرها درست کنیم که در بخش تامین برق و آب گرم به شهرها کمک کنند یا در روستاها و جاهای دوردست می‌توانستیم از پنل‌های خورشیدی استفاده کنیم و دچار بسیاری از مشـکلاتی که امروز در بخش گاز داریم، نمی‌شـدیم. حدود ۱۰ درصد گاز کشورمان در همین لوله‌کشی پرت می‌شـود که عدد بسیاری بزرگی اسـت و برای جلوگیری از این هدررفت گاز، حدود ۱۰ سـال و هرسـال حـدود دو میلیارد دلار نیاز به سـرمایه‌گذاری است که بتوانیم شبکه را حفظ کنیم. چون هر روز شـبکه فرسوده‌تر هم می‌شـود و خسارتش کشور را به جایی می‌رساند که شاید در آینده نه‌چندان دور، مجبور شویم بخشی از خطوط لوله روستایی و بخش فرسوده را جمع کنیم که آن‌موقـع توجیه اقتصادی ندارد که خط لوله جدید بگذاریم. این هدررفت سـرمایه اسـت که امروز به دلیل اشتباه در نوع تفکر ما به تأمین انرژی کشـور ایجاد شده است و در آینده هزینه دیگری برای جمع‌آوری باید انجام شود و نهایتاً مجبور می‌شویم به سمت اسـتفاده از برق یا انرژی‌های تجدیدپذیر به‌جای گاز برویم. امروز ترکیه با حدود ۷۰ میلیارد مترمکعب گاز، کشـور را اداره و از ۸-۷ نوع انرژی اسـتفاده می‌کند. در کشـور ما حـدود ۲۵۰ میلیارد مترمکعب گاز مصرف می‌شود و به دو نوع انرژی بیشتر دسترسی نداریم که گاز و فرآورده‌های نفتی است. انرژی تجدیدپذیر و انرژی هسته‌ای ما کمتر از یک درصد است که تولیدمان هم عدد بزرگی نیسـت و می‌توان گفت، انرژی ما وابسته به انرژی فسیلی است. با این کار خسـارتی به کشور وارد کردیم، چون که نتوانستیم از آن میزان سرمایه در پروژه‌های زیربنایی دیگر استفاده کنیم و هرآنچه صادر می‌شـود نیز خرج تعمیر و نگهداری همین بخش می‌شود تا بتواند نیاز روزمره ما را تأمین کند. این اشـتباه بزرگی در زمینه طراحی و مدیریت انرژی بوده که ۵-۴ دهه این اشـتباه را پشـت سـر هم تکرار کرده‌ایم. امروز هم همین اشتباه را داریم. در بخش نیروگاهی در برنامه هفتم نیز بیشـترین تمرکـز برنامه‌ریزان روی نیروگاه‌هـای حرارتی بود که با انرژی‌های فسـیلی کار می‌کنند، درصورتی که کشـور ما از لحاظ انرژی‌های تجدیدپذیر در شرایط بسـیار خوب ساعات آفتابی و بادی اسـت. حدود ۳۲۰۰ ساعت آفتاب مفید داریم که می‌توانیم انرژی خورشیدی تولید کنیم و در ۲۴ نقطه از کشورمان شرایط بسیار خوبی برای انرژی‌های بادی داریم که می‌توانند بخش انرژی خورشید در شب را تکمیل کنند و به‌این‌طریق، بخشی از برق کشور را از انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین کنیم؛ بدون اینکـه در این مرحله احتیاج بـه ذخیره باتری‌های بزرگ داشـته باشیم. هرچند به مرور مجبوریم این راه را برویم، اما با خسـارات خیلی زیاد و از دست دادن سـرمایه زیادی که امروز به‌صورت انرژی‌های فسیلی در کشور مصرف می‌کنیم.

فکر می‌کنیـد به‌خاطر کمبود انـرژی، پروژه‌هـای بزرگ کنار گذاشته می‌شـوند؟ (فرضاً مسکن ملی کنار گذاشته می‌شود؟ وهمینطور سایر گزینه‌ها؟)

نمی‌توانیم ناگهان از سـوخت فسـیلی به انرژی‌های تجدیدپذیر شـیفت کنیم. هیچ کشـوری هم نمی‌تواند این جهش ناگهانی را داشته باشـد. طی دوره ۱۰ تا ۲۰ سـاله می‌توانیم آرام‌آرام بخشی از نیاز انرژی امروزمان یا بخشـی که در آینده اضافه می‌شـود را به انرژی‌های تجدیدپذیر سوق بدهیم، البته اگر از امروز آن را به‌عنوان بنای انرژی آینده کشور قرار دهیم. امروز قیمت پنل‌ها چیزی حدود ۸۲ درصد نسـبت به ۱۰ سـال قبل، کمتر شده و تجهیزات انرژی بادی چیزی حدود ۶۴ درصد نسـبت به ۱۰ سـال پیش، کاهش قیمت دارد. تا سـال ۲۰۳۰ که یکی از نقاط حسـاس دوران گذار انرژی در دنیا محسوب می‌شود، این قیمت ۵۰ درصد دیگر کمتر خواهد شد. البته پیشـنهاد می‌کنم دولت در انرژی‌های نوین وارد نشـود، زیرا هرجا دولت ما وارد مدیریت یک بخش شده، متأسفانه آن بخش یا شکست خورده یا به‌گونه‌ای سنگین حرکت کرده که به نتیجه نرسیده و از دنیا و کشورهای منطقه عقب افتاده‌ایم. قبلاً هم پیشنهاد کرده‌ام که ورود به بخش تجدیدپذیر را به بخش خصوصی واگذار کنیم و دولت کلاً شـبکه انتقال را در اختیار داشـته باشـد. بخش‌های خصوصی در بخش انرژی، بادی، خورشیدی و هیدروژن سبز سرمایه‌گذاری کنند و مثلاً ۳۰ درصد از آنچه تولید می‌کنند، به‌عنوان هزینه شبکه که متعلق به دولت است، در اختیار شبکه قرار دهند و مانده را مجاز باشـند به کشورهای منطقه صادر کنند یا به صنعت ایران بفروشند، زیرا بخش خصوصی نگران منافع خودش است و از منافع‌اش دفاع می‌کند؛ می‌توانند خودشان را به‌روز کرده و از سرمایه‌شـان حفاظت کنند. اگر دولت را وارد بخش انرژی‌های تجدیدپذیر کنیم، همان اتفاقی که در انرژی‌های فسیلی رخ داده، تکرار می‌شود. برای اینکه انرژی تجدیدپذیر را در کشور وارد مدار کنیم، به شـبکه به‌روز نیاز داریم که احتیاج به حـدود ۲۰ میلیارد دلار سـرمایه‌گذاری در شبکه برق داریم. دولت می‌تواند این کار را با سرمایه خود انجام دهد و با تولیدکننده در مورد درصد به توافق برسد و اجازه دهد که تولیدکننده بخش خصوصی بتواند محصول خود را در بازار رقابتی به داخل و خارج بفروشد. همچنین برای اینکه قیمت برق چقدر باشد، می‌تواند سندیکایی تشکیل شود که نمایندگان مصرف‌کننده، تولیدکننده و دولتی باشند و قیمت را کنترل کنند. آن سندیکا هم باید به‌گونه‌ای باشد که همه احکام آن ازطرف دولت صادر نشود و آنجا جایگاه حکمرانی دولت نشود، چون گاهاً دیده‌ایم در خیلی جاها که سندیکایی می‌خواهد تصمیم‌گیری کند، حکم‌شان را از نماینده وزارتخانه‌های دولتی می‌گیرند و بود و نبودشان فرقی نمی‌کند؛ چون نهایتاً هرچه وزیر تصمیم می‌گیرد، همان می‌شود. باید یک‌بار به بخش خصوصی اعتماد کنیم و اجازه دهیم که وارد مدیریت کشـور شود، گرچه برای دولت سخت است که با بخش خصوصی رقابت کند و ممکن است زیر بار این مسئله نـرود. اما اگر بخش انرژی‌های تجدیدپذیر و دوران گذار را به دولت واگذار کنیم، در ۱۵-۱۰ سال آینده همان بلایی سرش می‌آید که امروز سر بخش انرژی‌های فسیلی آمده و امیدوارم دولت این اشتباه را انجام ندهد.

چرا دولت‌ها در ایران اغلب مواقع، هزینه‌های انرژی را در محاسبات بودجه، نادیده می‌گیرند؟

در کشـور ما، سـرمایه زیر زمین به‌عنـوان سـرمایه در نظر گرفته نمی‌شود و به‌عنوان یک چیز بادآورده دیده می‌شود. دقت نمی‌کنند آنچه از زیر زمین برمی‌داریم برای مصرف روزانه نیسـت، باید برای پروژه‌های زیربنایی سرمایه‌گذاری شود. از آنچه در زیر زمین است به‌عنوان بخشـی از منابع خدادادی رایگان کـه می‌تواند نیازهای روزمره حکمرانی را تأمین کند، در نظر گرفته شـده است. این یک نگاه اسـت که شـاید قبل از انقلاب هم بود و بعد از انقلاب شدت بیشـتری پیدا کرد. بخش بزرگی از مالیاتی که از مردم می‌گیریم، انرژی‌های فسـیلی اسـت که از زیر زمین خارج کـرده یا به مردم دوباره می‌فروشیم یا بخشی را صادرات کرده و کشورداری می‌کنیم. بزرگ‌ترین مالیاتی که از مردم می‌گیریم، مصرف همین انرژی‌های فسیلی زیر زمین است، بدون اینکه آن را جزو درآمد مالیاتی محاسبه کنیم. کشـور ما دو نوع مالیات می‌گیرد؛ یکی از منابعی که رایگان در اختیارش است و یکی هم از محل درآمدهای روزانه مردم. اخیراً اعلام شده که ۱۱۰ پتروشـیمی جدید قرار است وارد مدار شوند و ۷۵ پتروشیمی، موافقت اصولی را از معاونت برنامه‌ریزی وزارت نفت گرفته‌اند و خوراک‌شان هم گاز است. همین ۷۵ پتروشیمی اگر به شبکه بیایند، حدود ۹۰ میلیون مترمکعب در روز گاز احتیاج دارند؛ یعنی ۱۰ درصد از گاز کشـور را باید به این ۷۵ پتروشـیمی جدید بدهیـم، اما کدام گاز، وقتی برای پتروشـیمی‌های موجود هم گاز نداریم؟ حالا باید ده‌ها میلیارد سرمایه کشور در پتروشیمی بخوابد و با شـرایط تحریم بعد از ۶-۵ سال که زمان بهره‌برداری برسد، تازه متوجه می‌شویم نصف گاز موردنیاز کشور را نداریم. جالب این است که همان پنج سال دیگر، مدیران امروزی که آن‌موقع سرکار نیستند، منتقد وضعیت خوابیدن پتروشیمی‌ها به‌خاطر نبودن گاز می‌شوند.

بارها تأکید کرده‌اید که تنها راه‌حـل برای بحران انرژی در ایران، تشـکیل وزارت انرژی است. سـاختار وزارت انرژی را چگونه می‌دانید؟

بله بنده چند سـال اسـت که بیان می‌کنم، مشکل کشور ما عدم داشـتن وزارت انرژی و فقـدان اتاق‌فکرهای انرژی اسـت و این را از تجربه کشـورهای دیگر می‌گویم. دو نمونه گفتم. چهار میلیون مسکن در حال سـاخت اسـت، بدون اینکه در بحث انرژی توجه شده باشد، ۱۱۰ پتروشیمی مجوز مطالعه و اجرا گرفته‌اند و حدود ۷۴ پتروشیمی از آنها موافقت اصولی گرفته که باید به آنها خوراک گاز بدهیم. ازطرفی نیروگاه‌هـای ما حدود ۳۰ درصد راندمان دارد، درحالی‌که نیروگاه می‌توانسـت تا ۶۰-۵۰ درصد راندمان داشـته باشـد. همچنین حدود ۱۳ درصد از برق کشورمان در شبکه تلف می‌شود که می‌توانست اینطور نباشد. نزدیک ۱۰ درصد از گازمان در خطوط لوله تلف می‌شود که می‌توانست تلف نشود. حدود ۱۸ میلیارد مترمکعب یعنی حدود ۸ درصد گاز کشورمان در مشعل‌ها می‌سوزد که می‌تواند این اتفاق نیفتد. همه این‌ها نشان می‌دهد، در جایی مشکل بزرگی داریم و هرکس ساز خودش را می‌زند. اگر وزارت انرژی داشته باشـیم، شاید همه مجبور شوند طبق یک نت پیش بروند و سـاز بزنند و آن ساز انرژی باشد. معتقدم، اولین و مهم‌ترین کاری که باید انجام بدهیم این است که وزارت انرژی تشکیل دهیم که چند زیرمجموعه داشـته باشد شامل؛ نفت، گاز، برق فسیلی، انرژی‌های تجدیدپذیر، برق و هسته‌ای تا بدین‌گونه بتوانیم طوری برنامه‌ریزی کنیم که ظرف یک دوره ۱۰ تا ۱۵ ساله، بخش‌هایی از اشتباهات را جبران کنیم، در غیر این صورت کشور دچار مشکلات خیلی بزرگی خواهد شد. به‌عبارتی، بدترین ارث را در بخش انرژی برای فرزندان‌مان به‌جای خواهیم گذاشت.

کارشناسان ازجمله شما بارها بر یارانه پنهان انرژی تأکید داشتید. ۱۲۷ میلیارد دلار یارانه پنهان انرژی در ایران! چه باید کرد؟ باتوجه به قالب شکننده اقتصادسیاسی در ایران، آیا واقعی‌سازی قیمت‌ها جواب می‌دهد؟

در بخش یارانه انرژی، مردم مقصر نیستند. اینکه نیروگاه‌های ما ۳۰ درصد کار می‌کنند و بقیه‌اش هدر می‌رود، اینکه شبکه برق ما ۱۳ تا ۱۹ درصد پرتی دارد، اینکه ماشـین‌های ما دوبرابر ماشین‌های اسـتاندارد سـوخت مصرف می‌کنند، اینکه در شبکه‌سـازی گاز کشـورمان اشتباه کردیم و اینکه مشـعل‌ها می‌سوزند، هیچکدام ربطی به مردم ندارد و همه این‌ها یارانه‌هایی اسـت که مردم نقشی در آنها ندارند. آنجاکه مردم نقش دارند، کار پیچیده‌ای نیست. آنچه مردم در آن نقش دارند یک فرهنگسازی است که آن‌هم باز احتیاج به مدیریت ازطرف متولیان بخش‌های انرژی دارد. مثلاً اینکه موتورخانه‌ها در خانه‌ها در بخش گرمایش چطور کار می‌کنند، چیزی است که از طرف شرکت گاز باید نظارت شود و به حد استاندارد برسد. اینکه در بخش ساختمان‌سازی مشکل داریم و بخش زیادی از حرارت داخل خانه‌ها از بین می‌رود، سازمان نظام مهندسی ما مشکل دارد و ربطی به مردم ندارد. مردم در این بین کمترین نقش را دارند و حدود ۱۲۷ میلیارد دلار سالیانه از درآمد کشورمان را به‌دلیل عدم توجه به استانداردهای بین‌المللی در بخش تولید، توزیع و مصرف انرژی از بین می‌بریم که سرمایه آیندگان است. قبلاً هم نوشته‌ام که کمترین نقش‌اش متعلق به مردم و بیشترین نقش‌اش، مدیریت انرژی است که باعث شده این همه انرژی در سال از بین برود.

با تصمیم امروز و فردا هم حل نمی‌شود. اگر بخواهیم این سیستم اشتباه را درست کنیم به یک یا دو دهه زمان نیاز داریم تا فقط عدد ۱۲۷ میلیارد را نصف کنیم. امروز چیزی حدود یک‌ونیم میلیون ماشین در سال به شبکه اضافه می‌شود چون وضعیت اقتصادی خوب نیست، ازطرف دیگر حتی ۱۰ درصد این ماشین‌ها از شبکه خارج نمی‌شوند. اگر فرض را بر این بگذاریم که فقط در روز ۱۰۰ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌کنیم، به تعداد آمار ماشین‌های خارجی حـدود ۱۵ میلیون لیتر مصرف می‌شـود که برعهده شبکه تولید ماشین کشور نمی‌گذاریم و حدود پنج میلیون لیتر برای بخش موتورسیکلت و مسائل دیگر، حدود ۸۰ میلیون لیتر در روز با ماشـین‌های داخلی می‌سـوزانیم و نصف آن به‌صورت اضافی هدر می‌رود چون مصرف‌شان دو برابر استاندارد است؛ یعنی روزی حدود ۴۰ میلیون لیتر بنزین. شـما این میزان را در یک‌سال محاسبه کنید و بعد در قیمت فوب خلیج فارس ضرب کنید، به عدد عجیب و غریب هفت میلیارد دلار می‌رسید. یعنی هرسال چنین سـرمایه و پولی را فقط در بخش خودرو از دست می‌دهیـم، حتی اگر کارمندان بخش ماشین‌سـازی را به خانه می‌فرستادیم و سـالی دو میلیارد دلار حقوق به آنها می‌دادیم، باز هم چهار میلیارد جلو بودیم و کشتارها و خسارت‌های بعدی هم به‌جای خود! بنابراین مشکل ما در بخش یارانه خیلی بزرگ اسـت و بخش بزرگی از این مشکل به مدیریت انرژی و صنعت برمی‌گردد. امروز از نظر شدت مصرف انرژی، در دنیا رکورددار هسـتیم. به این معنی که اگر یک خودرو را در ایران تولید کنیم و عین همان خـودرو را در ژاپن تولید کنیم، ما ۱۵ برابر ژاپن در ایران بـرای این کار انرژی صرف می‌کنیم که بخشـی از آن به تکنولوژی، مدیریت، بهره‌وری سیستم و تأمین منابع برمی‌گردد. ما کشوری هستیم که به‌اندازه کافی جوان نخبه داریم، به‌اندازه کافی صنعت پایه داریم، اما در بخش مدیریت استفاده از صنعت و انرژی متأسـفانه آنچنان بد عمل کرده‌ایم که امروز در شـدت مصرف انرژی، در دنیا رکورددار هستیم.

ما در حال حاضر به سبب کمبود سوخت با مازوت‌سوزی و دستکاری در بنزین مصرفی به دلیل کمبود، مواجه هستیم. تبعات و آثار کمبود انرژی و سیاست‌گذاری نادرست در این زمینه را چه می‌دانید؟

در بخش مازوت مشـکل این اسـت که چیزی حدود ۳۰ درصد از تولید پالایشگاه‌های‌مان به‌جای اینکه تبدیل به فرآورده‌هایی مثل بنزین و گازوئیل شود که ارزشمند است، تبدیل به مازوت می‌شود و قیمـت مازوت در بازار جهانی زیر قیمت نفت اسـت. درواقع ۳۰ درصد از نفتی که از زیر زمین برداشـت می‌کنیم، به‌جای اینکه به بنزیـن و گازوئیل تبدیل کنیم، تبدیل به مازوتی می‌شـود که اگر بخواهیم بفروشـیم، از قیمت نفتی که آن را تولید کرده‌ایم، بسیار پایین‌تر اسـت. این فقط مشکل مازوت ما نیست، مازوت کشور ما چیزی حدود ۷ برابر اسـتاندارد جهان (۳/۵ درصد) سولفور دارد. بیشترین مصرف مازوت در سوخت کشتی‌های حمل‌ونقل جهانی است که طبق استاندارد جهانی، باید نیم‌درصد باشد. یعنی مازوت ما آنجا هم مصرف نمی‌شود. یک بخش کمی از مازوت ما با واسطه به امارات می‌رود و در یک پالایشگاه که می‌تواند مازوت را استاندارد کند، تبدیل شده و فروخته می‌شود و با پول آن بنزین از ترکمنستان می‌آوریم و کسری بنزین را تامین می‌کنیم و به‌نام سواپ غیر هم‌نام یعنـی صادرات مازوت و در مقابلش واردات بنزین، کسـری بنزین کشـور را تامین می‌کنیم. برای اینکه بتوانیم پالایشـگاه‌های‌مان را اسـتاندارد کنیم و جلوی خسـارت مـازوت را بگیریم که بخش زیـادی از آن در نیروگاه‌هـای کشـور خودمان مصرف می‌شـود و باعث صدمات در بخش سـلامتی کشورمان هم شده، احتیاج به سـرمایه‌گذاری و تکنولوژی داریم. پالایشـگاه‌های ما در دنیا جزو ضعیف‌ترین پالایشگاه‌ها در تولید مازوت هستند و در منطقه اکثر کشـورها مثل عربسـتان و امارات حدود پنج و حداکثر ۱۰ درصد تولیدشان تبدیل به مازوت می‌شود، اما در کشور ما پالایشگاه‌هایی داریـم که حتی بیـش از ۳۰ درصد از تولیدشـان تبدیل به مازوت غیراستاندارد می‌شود. برای این کار احتیاج به سرمایه و تکنولوژی داریم که به دلیل شـرایط تحریم متأسـفانه الان حدود چند دهه اسـت که عقب افتاده‌ایـم و هر روز هم پالایشـگاه‌های ما کهنه‌تر می‌شوند. براساس داده‌ای که یکی از مسئولان شورای شهر تهران برای سـال ۱۴۰۰ اعلام کرده بود، حدود ۶ هزار نفر در اثر مصرف مازوت (در استان تهران یا در کشور) جان‌شان را از دست داده‌اند و این‌ها همه خساراتی است که از بابت مازوت‌سوزی در کشور تحمل می‌کنیم. تابسـتان‌ها که مشـکل گازمان کمتر است حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب روزانـه گاز به نیروگاهها می‌دهیم که برق تولید کنند و زمستان که مشـکل گاز داریم، چیزی حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب یا حتی در اوج سرما ۷۰ میلیون مترمکعب به نیروگاه‌ها گاز می‌دهیم. تفاوت آن ۳۰۰ تا ۱۰۰ میلیون مترمکعب را با مازوت تولیدی روز که حدود ۶۰۰ هزار بشـکه اسـت و مـازوت ذخیره پر میکنیم و اگر کم بیاوریم، از گازوئیل گران‌قیمت استفاده می‌کنیم که می‌تواند در محاسبات اقتصادی کشورمان خسارات زیادی وارد کند. اگر می‌توانستیم بخشـی از نیروگاه‌های‌مان را از مدار خارج کرده، برق تجدیدپذیر تولید و مازوت‌مان را استاندارد می‌کردیم و در بازارهای جهانی می‌فروختیم؛ عددهایی که از حاصل آن اصلاحات در بخش نیـروگاه یا مازوت به‌وجود می‌آمد، آنقدر بزرگ اسـت که می‌تواند کل اقتصادمان را دوباره تکان بدهد.

بخش بزرگی از مالیاتی که از مردم می‌گیریم، انرژی‌های فسیلی است که از زیر زمین خارج کرده یا به مردم دوباره می‌فروشیم یا بخشی را صادرات کرده و کشورداری می‌کنیم. بزرگ‌ترین مالیاتی که از مردم می‌گیریم، مصرف همین انرژی‌های فسیلی زیر زمین است، بدون اینکه آن را جزو درآمد مالیاتی‌محاسبه کنیم. کشور ما دو نوع مالیات می‌گیرد؛ یکی از منابعی که رایگان در اختیارش است و یکی هم از محل درآمدهای روزانه مردم

فرضاً اگر چهار میلیون مسکن جدید ساخته شود و این رقم را به ۲۵ میلیون خانوار کنونی اضافه کنیم، به چیزی حدود ۶۰ میلیون مترمکعب دیگر (علاوه بر آن) در روز گاز نیاز داریم و اگر بخواهیم به این چهار میلیون مسکن، برق هم بدهیم با احتساب اینکه در زمان پیک هر واحد مسکونی حدود ۱۰ کیلووات مصرف دارد، با احتساب هدررفت شبکه، ۱۲ کیلووات برق موردنیاز است که همراه واحدهای خدماتی مسکونی به حدود ۱۵ کیلووات می‌رسد

رویداد

اعلام زمان واگذاری بنگاه‌ها

در ادامه اجرای مصوبه مولدسـازی ازسوی سران سه‌قوه، بخـش بزرگـی از بنگاه‌هایـی کـه در اختیـار بانک‌هـا و دستگاه‌های اجرایی بود و همراهی نمی‌کردند، در ماه‌های آینده واگذار خواهد شـد. به گزارش ایسـنا، سیداحسان خانـدوزی، وزیر اقتصاد دراین‌باره گفت: سـبک کردن بار دولت از بنگاه‌داری است و دراین‌زمینه نیز موفق شدیم برای حل این مشـکل وفاقی در سطح بالای دولت و قوه‌قضائیه ایجـاد کنیم و در ماه‌های آینـده خواهید دید که این روش و فرآیند معکوس خواهد شـد و بخش بزرگی از بنگاه‌هایی که در اختیار بانک‌ها بود و دستگاه‌های اجرایی نیز حاضر نبودند از آنها دل بکنند، واگذار خواهد شـد. وزیر اقتصاد گفت: ترجیح ما دراین‌زمینه است که تجربه گذشته تکرار نشـود به‌نحوی کـه دوباره از سـازمان تامیـن اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری و ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) و سایر نهادهای عمومی کشور بخواهیم وارد عرصه مدیریت این شرکت‌ها شـوند. واگذاری این شرکت‌ها باید به همان قیمتی باشد که فعال اقتصادی به آن اعتقاد دارد و این‌طور نباشـد که قیمت‌گذاری این بنگاه‌ها به دوبرابر یا سه‌برابر ارزش واقعی قیمت‌گذاری شود، زیرا در این صورت حتماً فعالان اقتصادی استقبال نخواهند کرد و اینجا هم با صراحت می‌گویم، حتماً بخشی از مدیران دولتی نیز دوست ندارند فعالان بخش خصوصی در این عرصه ورود کنند، اما دولت و قوه‌قضائیه توافق دارند که کمک و پشتیبانی کنند تـا تصمیمات لازم دراین‌زمینه با جـرأت و همت و همراه با شفافیت و پیروی از قانون اتخاذ شود.

تورم آذر ۴۴/۴ درصد

طبـق اعلام مرکز آمار، در آذرماه ۱۴۰۲، شـاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور به ۲۱۷ رسیده که نسبت به ماه قبل ۲/۹ درصد و نسـبت به مدت مشـابه پارسـال ۴۰/۲ درصد افزایش یافته و در ۱۲ ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشـابه پارسال ۴۴/۴ درصد افزایش داشته است. مرکز آمار طی گزارشی میزان تورم نقطه به نقطه، تورم ماهانه خانوارهای کشور، نرخ تورم سالانه خانوارهای کشور و همچنین درصد تغییرات شـاخص قیمت در دهک‌های هزینه‌ای کل کشـور در آذرماه ۱۴۰۲ را اعلام کرده است. درصد تغییر میانگین اعداد شـاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه قبل از آن است. در آذرماه ۱۴۰۲، نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۴۴/۴ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۰/۵ واحد درصد کاهش یافته است.

واردات ۱۹ تن شمش طلا به کشور

طبـق اعلام گمرک، در ۹ ماهه امسـال، بیـش از ۱۹ تن و ۲۴۶ کیلوگـرم شـمش طـلا بـه ارزش یک میلیـارد و ۲۲۸ میلیون دلار، ازطریق گمرکات وارد کشـور شده که چهارمین کالای وارداتی محسـوب می‌شـود. به گزارش ایسـنا، واردات شـمش طلا با اختصاص ۲/۵۴ درصد از ارزش کل واردات کشور در ۹ ماهه سال جاری، رتبه چهارم اقلام عمده کالاهای وارداتی کشـور را به خود اختصاص داد. در این مدت بیشـترین میزان واردات شـمش طلا از گمرک فرودگاه امام خمینی(ره) با ۶۷ درصد از وزن شمش طلا، گمرک باشـماق با ۲۱/۱۵ درصـد و گمرک تبریز با ۸/۷۵ درصـد انجام گرفت. براسـاس ایـن گزارش، پس از سه گمرک فوق‌الذکر، بیشـترین میزان واردات شمش طلا به گمرک مشـهد، گمرک فـرودگاه اصفهان، گمرک فرودگاه شیراز و گمرک اصفهان اختصاص داشت. بنابراین گزارش، هیئت‌دولت در آذرماه سال گذشته مصوب کرد تا تسهیلاتی جهت واردات شـمش طلا برقرار شود، پس از این مصوبه، واردات شمش طلا به کشور آغاز شد.